

### اعلامیه جهانی حقوق زبانی

این اعلامیه، مبدا حرکت خود را « جمعیت های زبانی » و نه « دولت ها » اعلام می کند. این اعلامیه را باید از منظر تقویت نهادهای بین المللی که هدف آنها تضمین توسعه برابر و پایدار همه جامعه بشری است؛ مورد توجه قرار داد. در عین حال، هدف این اعلامیه، کوشش برای ایجاد آنچه ساماندهی سیاسی در جهان است که امکان تنوع و تکثر زبان ها را بر بنیاد احترام، همزیستی و منافع متقابل همه خلق ها تأمین کند.

⏪ ⏩ ⏴ ⏵ ⏶ ⏷



نهادهای و سازمان های غیردولتی و تمام امضاکنندگان «اعلامیه جهانی حقوق زبانی» در همایشی که در تاریخ ششم تا نهم ژوئیه ۱۹۹۶ (۱۳۷۵) در شهر بارسلون اسپانیا برگزار شد، اعلام کردند که:

• با توجه به مقدمه «اعلامیه جهانی حقوق بشر» (۱۹۴۸) که در آن بر «برابری حقوق اساسی انسان ها، شان و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق زنان و مردان» تأکید شده است؛ و نیز با توجه به ماده دوم همین اعلامیه که: «هرکس، بدون هیچ گونه تبعیض اعم از نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، دیدگاه سیاسی یا هر دیدگاه دیگر، و نیز خاستگاه ملی یا اجتماعی، ثروت، تولد و هر وضعیت دیگر از تمام حقوق و آزادی های مذکور در اعلامیه برخوردار است.»؛

• با توجه به «پیمان نامه جهانی حقوق سیاسی و مدنی» (۱۶ دسامبر ۱۹۶۶) و «پیمان نامه جهانی حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی» (۱۶ دسامبر ۱۹۶۶) که در مقدمه های خود تأکید می کنند که: انسان ها را نمی توان آزاد شمرد مگر آن که با فراهم آوردن زمینه های مناسب، قادر به اعمال حقوق مدنی و سیاسی و حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خود باشند؛

• با توجه به مفاد قطعنامه «۱۳۵ \_ ۴۷» مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۱۸ دسامبر ۱۹۹۲) که در آن «حقوق اقلیت های ملی، قومی، دینی و زبانی» به تصویب رسید؛

• با توجه به اعلامیه ها و توافق نامه های شورای اروپا از جمله «قطعنامه جامعه اروپا در دفاع از حقوق و آزادی های اساسی بشر» (۴ نوامبر ۱۹۵۰) و «قطعنامه شورای وزیران شورای اروپا» (۲۹ ژوئیه ۱۹۹۲) که «منشور جامعه اروپا را درباره زبان های

منطقه ای یا اقلیت ها» به تصویب رساند و نیز اعلامیه «حقوق اقلیت های قومی» مصوب نشست سران شورای اروپا (۱۹ اکتبر ۱۹۹۳) و توافقنامه «چارچوب دفاع از حقوق اقلیت های قومی» (نوامبر ۱۹۹۴)؛

- با توجه به «اعلامیه انجمن جهانی قلم» (سانتیاگو دمپستلا) و اعلامیه «کمیته حقوق زبان و ترجمه» انجمن جهانی قلم (۱۵ دسامبر ۱۹۹۳) که در آن «برگزاری کنفرانسی درباره حقوق زبانی» پیشنهاد شده است؛
- با توجه به «اعلامیه دوازدهمین سمینار انجمن جهانی گسترش تفاهم و ارتباط میان فرهنگ ها» (۹ اکتبر ۱۹۸۷، رسیف برزیل) که در آن به سازمان ملل پیشنهاد شد تا گام های موثری را برای تصویب و اجرای «اعلامیه جهانی حقوق زبانی» بردارد؛
- با توجه به «قطعنامه ۱۶۹ سازمان جهانی کار» (۲۶ ژوئیه ۱۹۸۹) که در آن بر «حقوق بومیان و قبایل کشورهای مستقل» تاکید شده است؛
- با توجه به مفاد «اعلامیه جهانی حقوق مشترک خلق ها» (مه ۱۹۹۰، بارسلون اسپانیا) که «همه خلق ها فارغ از تفاوت در نظام سیاسی حاکم بر آن ها از حق ارائه و توسعه فرهنگ، زبان و ایجاد نهاد های ویژه برخوردارند و برای رسیدن به این منظور می توانند ساختارهای سیاسی، آموزشی، ارتباطی و دولتی لازم را سامان دهند.»؛
- با توجه به «اعلامیه نهایی همایش سراسری فدراسیون جهانی آموزگاران زبان مدرن» (۱۶ آگوست ۱۹۹۱، شهر پچ مجارستان) که «رسمیت یافتن حقوق زبانی به مثابه حقوق اساسی فرد انسانی» را توصیه نموده است؛
- با توجه به گزارش «کمیسیون حقوق بشر شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد» (۲۰ آوریل ۱۹۹۴) در رابطه با پیش نویس «حقوق بومیان» که در آن حقوق فردی را در پرتو حقوق جمعی مد نظر قرار می دهد؛
- با توجه به پیش نویس اعلامیه «کمیسیون حقوق بشر آمریکا درباره بومیان» مصوب نشست ۱۲۸۷ (۱۸ سپتامبر ۱۹۹۵) این کمیسیون؛
- با توجه به این که اکثر زبان های در خطر نابودی، به مردمانی تعلق دارند که از حق حاکمیت ملی محرومند؛ و با توجه به این که عامل اصلی عدم گسترش، نابودی و جایگزینی زبان دیگر به جای زبان این خلق ها، عدم وجود حاکمیت ملی و خط مشی دولت هایی است که ساختارهای سیاسی، اداری و زبانی خود را بر آن ها تحمیل می کنند؛
- با توجه به این که حمله نظامی، اشغال، استعمار کشورها و دیگر روش های انقیاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، در اکثر مواقع با تحمیل صریح زبان حاکمان یا در بهترین شرایط خدشه دار نمودن ارزش و منزلت زبان خلق های محکوم همراه بوده و به طور کلی به تضعیف زبان گویشوران آن ها انجامیده و با اعمال سیاست های تبعیض آمیز وفاداری گویشوران به زبان مادری خود را خدشه دار کرده است؛
- با توجه به این که زبان مردمانی که اخیرا استقلال خود را به دست آورده اند همچنان در حاشیه مانده و روند جایگزینی زبان کشورهای استعمارگر و امپریالیست پیشین به جای زبان خلق های تازه از بند رسته همچنان ادامه دارد؛
- با توجه به این که «جهانی شدن» بر بنیاد تنوع و تکثر زبانی و فرهنگی خلق ها قرار دارد و سیاست حذف زبان ها و فرهنگ ها و یکسان سازی آنها را رد می کند؛
- با توجه به این که برای تامین همزیستی مسالمت آمیز جمعیت های زبانی می بایست اصولی تدوین شوند که تشویق و ارتقا موقعیت زبان ها و نیز احترام به همه آنها و کاربست اجتماعی آن ها را در مجامع عمومی و محافل خصوصی تضمین نماید؛
- با توجه به این که عوامل گوناگونی که ماهیت زبانی ندارند از جمله عوامل تاریخی، سیاسی، جغرافیایی، جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی \_ فرهنگی و اجتماعی \_ زبانی می توانند به انزوا، انحطاط و نابودی زبان ها منجر شوند و نیز برای آن که بتوان اقدامات و راه حل های مناسبی در هر مورد خاص اتخاذ نمود لازم است که حقوق زبانی به صورت همه جانبه بررسی شود و با اعتقاد به این که «اعلامیه جهانی حقوق زبانی» در پرتو تضمین احترام و توسعه کامل همه زبان ها و پایه گذاری اصولی برای همزیستی برابر و عادلانه زبانی به مثابه عامل اصلی در حفظ روابط اجتماعی موزون، می باید نابرابری های زبانی را اصلاح کند؛

#### • درآمد

▪ جایگاه هر زبانی، در پرتو ملاحظاتی که خواهد آمد، محصول تعامل و کنش و واکنش عوا مل بسیار گوناگون و گسترده از جمله عوامل سیاسی، قانونی، اپیدئولوژیک، تاریخی، جمعیتی، اقلیمی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زبان شناسی، اجتماعی، زبانی،

میان زبانی و عواملی با ماهیت ذهنی است.

در شرایط کنونی این عوامل را می توان اینگونه توضیح داد:

• تمایل دیرینه سال اکثر دولت ها و حکومت ها به کاهش تنوع زبانی و حمایت از گرایش هایی که با چندگانگی فرهنگی و تکثر زبانی مخالفت می ورزند.

• سیر به سمت اقتصاد جهان گستر و ظهور پدیده هایی چون بازار جهانی اطلاعات، ارتباطات و فرهنگ که فضای مناسب برای اشکال مختلف تعامل های زبانی را \_ که انسجام درونی زبان ها را تضمین می کند \_ مختل می سازد.

• مدل رشد اقتصادی جهان که شرکت های فراملی مطرح کرده اند و بر اساس آن کاهش حمایت های دولت را با پیشرفت و فردگرایی رقابت محور را با آزادی قرین می دانند به تشدید نابرابری های جدی و فزاینده زبانی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی منجر می شود.

• جمعیت های زبانی را در عصر ما عوامل زیر تهدید می کنند: عدم وجود دولت های ملی یا خودگردان، گویشوران محدود یا گویشورانی که به طور کلی یا جزئی پراکنده اند، اقتصاد ضعیف، عدم وجود زبان معیار یا ارا نه مدلی فرهنگی مفایر با فرهنگ مسلط. این عوامل ادامه حیات و گسترش بسیاری از زبان ها را عملاً غیر ممکن می کند. مگر آنکه ملاحظات زیر مورد توجه قرار گیرد:

• از دیدگاه سیاسی: جهان از منظر سیاسی باید به گونه ای ساماندهی شود که امکان ارتباطی ملت ها با مشارکت همه خلق ها، جمعیت های زبانی و افراد در روند توسعه سازگار باشد.

• از دیدگاه اقتصادی: جهان از منظر اقتصادی به گونه ای ساماندهی شود که توسعه پایدار همه جان به را بر بنیاد مشارکت همه خلق ها و نیز بر اساس احترام به حفظ تعادل محیط زیست و روابط برابر حقوق همه زبان ها و فرهنگ ها تامین کند.

• بنابر آنچه آمد، این اعلامیه، مبدا حرکت خود را «جمعیت های زبانی» و نه «دولت ها» اعلام می کند. این اعلامیه را باید از منظر تقویت نهادهای بین المللی که هدف آنها تضمین توسعه برابر و پایدار همه جامعه بشری است؛ مورد توجه قرار داد. در عین حال، هدف این اعلامیه، کوشش برای ایجاد آنچه ساماندهی سیاسی در جهان است که امکان تنوع و تکثر زبان ها را بر بنیاد احترام، همزیستی و منافع متقابل همه خلق ها تامین کند.

• مقدمه: مفاهیم

• ماده ۱

(۱): در این اعلامیه، هر جامعه انسانی که از نظر تاریخی در «سرزمین معینی» \_ فارغ از رسمیت یافتن یا نیافتن \_ ساکن شده و خود را خلقی را با هویتی یگانه دانسته و زبان مشترکی را به عنوان بازار طبیعی ارتباط و هم پیوندی فرهنگی برگزیده است؛ «جمعیت زبانی» خوانده می شود. در این اعلامیه اصطلاح «زبان خاص يك سرزمین» به زبان جمعیتی اطلاق می شود که در شرایط ذکر شده شکل گرفته باشد.

(۲): در این اعلامیه مبنای حرکت بر این اصل قرار دارد که حقوق زبانی هم حقوق فردی و هم حقوق جمعی زبانی را به طور همزمان در بر می گیرد. در تعریف دامنه کامل حقوق زبانی این اعلامیه اعلام می کند که مرجع خود را «جمعیت های زبانی تاریخی» می داند که در سرزمینی خاص زندگی می کنند. در اینجا «سرزمین» تنها به جغرافیایی اطلاق نمی شود که گویشوران در آن زندگی می کنند، بلکه به محیط اجتماعی و کارکردی هم اطلاق می شود که برای رشد و شکوفایی همه جانبه يك زبان ضروری است. تنها با این گستره معنایی است که می توان حقوق زبانی گروه های مورد نظر در بند ۵ این ماده و حقوق زبانی افرادی را که در خارج از سرزمین زبانی خویش زندگی می کنند را بر بنیاد پیوستاری و در عین حال درجه بندی تعریف کرد.

(۳): در این اعلامیه گروه هایی که یکی از موقعیت های زیرین را دارا باشند نیز متعلق به «جمعیت زبانی» معین و «ساکن سرزمین» معین شمرده می شوند :

الف: زمانی که از بدنه اصلی «جمعیت زبانی» به دلیل مرزهای سیاسی یا اداری \_ اجرایی جدا شده باشند.

ب: زمانی که در طول تاریخ، در منطقه کوچک جغرافیایی که آن را دیگر جمعیت های زبانی محاصره کرده اند، «جزیره زبانی» تشکیل داده و تثبیت شده باشند.

پ: زمانی که در منطقه جغرافیایی معین با دیگر جمعیت های زبانی که پیشینه تاریخی مشابه دارند؛ همزیستی کرده و تثبیت

شده باشند.

(۴): در این اعلامیه عشایر و کوچ نشینان و خلق هایی که در نواحی جغرافیایی پراکنده زندگی می کنند؛ نیز «جمعیت های زبانی» خوانده می شوند که در سرزمین های تاریخی خود به سر می برند.

(۵): در این اعلامیه، گروه هایی از مردم که زبان آنها در محیط سرزمینی جمعیت زبانی دیگر، تثبیت شده، اما پیشینه تاریخی آنها با پیشینه تاریخی جمعیت زبانی مهمان پذیر همسان نیست؛ هم «گروه زبانی» خوانده می شود. مهاجران، پناهندگان، اخراجی ها و آوارگان در زمره «گروه های زبانی» شمرده می شوند.

#### ● ماده ۲

(۱): در این اعلامیه هرگاه جمعیت ها و گروه های زبانی گوناگون در سرزمین یگانه ای زندگی کنند؛ حقوق زبانی آنها بر اساس احترام متقابل باید به گونه ای تامین شود که دموکراسی حداکثر را تضمین کند.

(۲): برای کسب تعادل اجتماعی \_ زبانی رضایت بخش یعنی ایجاد هماهنگی مناسب بین حقوق زبانی جمعیت ها و گروه های زبانی و افراد متعلق بر آن ها، علاوه بر پیشینه تاریخی \_ سرزمینی و نیز خواسته ها و مطالبات دموکراتیک آن ها، عوامل دیگری از جمله ماهیت اجباری مهاجرت ها و درجه آسیب پذیری فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنها را هم باید مورد توجه قرار داد.

#### ● ماده ۳

(۱): این اعلامیه حقوق زیرین را به عنوان حقوق شخصی انسان ها \_ که تحت هیچ شرایطی قابل نقض نیست \_ به رسمیت می شناسد.

\_ حق انسان به عنوان عضوی از یک جمعیت زبانی

\_ حق انسان در استفاده از زبان خود در مکان ها خصوصی و عمومی

\_ حق انسان در استفاده از نام خود

\_ حق انسان در ایجاد پیوند و مناسبات اجتماعی با دیگر اعضای جمعیت زبانی خود

\_ حق انسان در حفظ و گسترش فرهنگ خود

\_ و دیگر حقوق زبانی که در «پیمان نامه جهانی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» (۱۶ دسامبر ۱۹۶۶) به رسمیت شناخته شده اند.

(۲): این اعلامیه تصریح می کند که گروه های زبانی، علاوه بر حقوق عامی که بر شمردیم و همه افراد این گروه ها از آن برخوردارند؛ در انطباق با بند دوم ماده ۲ همین اعلامیه حقوق زیرین را نیز دارا هستند.

\_ حق گروه های زبانی در آموختن زبان و فرهنگ خود

\_ حق گروه های زبانی در دسترسی به خدمات فرهنگی

\_ حق گروه های زبانی در حضور برابر زبان و فرهنگ خود در رسانه های ارتباط جمعی

\_ حق گروه های زبانی در توجه و احترام نهادهای حکومتی به طرح های اجتماعی و اقتصادی آنها که به زبان خود ارائه کرده اند.

(۳): حقوق گروه های زبانی و اعضای آنها به هیچ عنوان نباید مانع مناسبات متقابل این گروه ها و اعضای آنها، با جمعیت زبانی مهمان پذیر یا ادغام آنها در جمعیت زبانی مورد نظر شود. در عین حال حقوق این گروه ها و اعضای آنها نباید حقوق جمعیت زبانی مهمان پذیر یا اعضای آن را در کاربست زبان جمعیت زبانی مورد نظر در سرزمین معین محدود کند.

ترجمه: خسرو باقری

بارسلون. ژوئن ۱۹۹۶

پایگاه اطلاع رسانی فرهنگ توسعه